

سخنرانی در دیدار گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم - 1 / آبان / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز که از نقاط مختلف تشریف آورده‌اید، خوش آمد عرض می‌کنم؛ بخصوص به خانواده‌های معظم شهدا و به جانبازان عزیز و خانواده‌های محترمشان و بقیه‌ی کسانی که در آزمایش الهی امت اسلامی، از لحاظ جسمی یا از لحاظ خانوادگی، مصایبی را تحمل کردند. خداوند به همه‌ی شما توفیق عنایت کند و به همه‌ی ما افتخار قدم گذاشتن در طریق عبودیت خود را عنایت فرماید.

آن مسأله‌ی اساسی که در انقلاب اسلامی هدف اعلی و والا به حساب می‌آید، عبارت از تزکیه‌ی انسان است. همه چیز مقدمه‌ی تزکیه و طهارت آدمی است. عدالت در جامعه و نیز حکومت اسلامی در میان اجتماعات بشری هم با این که هدف بزرگی محسوب می‌شود، ولی خود آن یک مقدمه برای تعالی و رشد انسان است که در تزکیه‌ی آدمی نهفته است. هم زندگی در این عالم - اگر بخواهد به سعادت برسد - محتاج تزکیه است، و هم درجات اخروی و معنوی، متوقف بر تزکیه است. فلاح انسان - یعنی دست یافتن انسان به مقصد اعلی - وابسته‌ی به تزکیه است؛ «قد افلح من تزکی». و ذکر اسم ربّه فصلی» (1). آن کسی که تزکیه بکند، فلاح و رستگاری را به دست آورده است.

شما روش نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را در تمام لحظات دعوت اسلامی خود ملاحظه بفرمایید؛ از روزهای اول که در غربت محض بودند و با تنهایی خود با همه‌ی دنیای جاهلیت و کفر مبارزه می‌کردند، تا اوج قدرت اسلامی، یعنی آن روزی که پیامبر مکه و طائف را فتح کرده بودند و حجاز را تماماً زیر سلطه‌ی خود درآورده بودند، در هر مناسبتی پیامبر اکرم مردم را دعوت می‌کردند که نفس خود را تزکیه و تطهیر کنند.

برادران و خواهران! در وجود ما، هم سرچشمه‌ی همه‌ی شرارتها وجود دارد، که همان نفس ماست - که از همه‌ی بتها خطرناکتر، بت نفس و خودخواهی ماست - و هم سرچشمه‌ی همه‌ی خیرات و زیباییها و کمالات. اگر ما بتوانیم و همت کنیم خودمان را از چنگال نفس اماره‌ی به سوء و شهوات نفسانی نجات بدهیم، سرچشمه‌ی خیرات بر روی ما گشوده خواهد شد.

اگر دنیا پُر از ظلم و جور است، اگر قدرتهای استکباری به مردم دنیا زور می‌گویند و به آنها جفا می‌کنند، اگر بسیاری از ملتها با سکوت خود، ذلت را به دست خود برای خود تدارک می‌بینند، اگر بسیاری از قدرتها و دولتها بر مردم خودشان ظلم روا می‌دارند، اگر فقر و بی‌سوادی و بی‌فرهنگی هست، اگر جنگهای خانمانسوز هست، اگر بمبهای شیمیایی هست، اگر ظلم و تعدی و دروغ و فریب هست، همه و همه ناشی از عدم تزکیه‌ی انسان است؛ انسانها خود را تزکیه نکرده و نساخته‌اند. انقلاب برای این است که جوانان و مردم ما در هر قشر و هر طبقه، این فرصت را پیدا کنند که خودشان را بسازند؛ خودشان را از بدیها نجات بدهند و در مقابل آتش دوزخ اخروی و دوزخهای دنیوی بیمه کنند.

جامعه‌یی که تزکیه شده باشد، مردمش نفس خود را اصلاح کرده باشند، به خودشان پرداخته باشند، رذایل اخلاقی را از خودشان دور کرده باشند، دورویی و دروغ و فریب و حرص و طمع و بخل و بقیه‌ی رذایل انسانی را از خودشان جدا کرده و زدوده باشند، این‌طور جامعه‌یی، هم به سعادت اخروی، و هم جلوتر از آن، به سعادت دنیوی دست خواهد

یافت.

اگر بدبختیهای انسانیت را ریشه‌یابی کنید، به آلودگی نفسانی انسانها برمی‌گردد. آن جایی که ضعف و بدبختی هست، یا به خاطر اختلافات است، یا به خاطر حرص و آز و دنیاطلبی است، یا به خاطر بددلی انسانها یا یکدیگر است، یا به خاطر ترس و اظهار ضعف و ترس از مرگ است، و یا به خاطر میل و رغبت به شهوات و خوشگذرانی است. اینها مایه‌ی اصلی بدبختیهای جوامع بشری است. چگونه می‌شود اینها را برطرف کرد؟ با تهذیب و تزکیه‌ی اخلاقی.

البته تهذیب اخلاقی در حکومت طاغوت بسیار مشکل است. کمتر انسانی را می‌توان پیدا کرد که در دوران حاکمیت طاغوتها بتواند به رشد معنوی و اخلاقی دست پیدا کند، تا مثلاً به مقامی روحی و معنوی برسد و کسی مثل مقام بزرگان و شخصیتی مثل امام امت به وجود بیاید؛ اما در دوران حاکمیت اسلام آسانتر است.

تا وقتی که نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و رسالت اسلامی نبود، ابوذرها و مقدادها و عمارها انسانهای جاهل و گمراهی بودند؛ مثل حیوانات، مثل وحشیها و مثل بقیه‌ی مردم زندگی می‌کردند؛ اما طلوع خورشید اسلام، از عمار آن چنان شخصیت بزرگی ساخت که در طول عمر طولانی خود - حدود نود سال - پیوسته در خدمت اسلام بود و دائماً برای خدا کار کرد و زحمت کشید. اسلام از مقداد و ابوذر و از بقیه‌ی انسانهای بزرگ، آن شخصیتها را ساخت. اینها چه کسانی بودند؟ اینها انسانهای بدوی و ابتدایی و جاهلی بودند.

جوانان ما می‌توانند رشد کنند. زنان و مردان ما می‌توانند انسانهای بزرگی بشوند. جامعه‌ی ما می‌تواند در حدی رشد کند که رشد آن، ملتهای دیگر را به پیمودن این راه تشویق کند؛ یعنی هم رشد مادی و هم رشد معنوی؛ چون رشد مادی بدون رشد معنوی بی‌فایده است.

الان کشورهای بزرگ دنیا رشد مادی دارند؛ محصول زیاد، علم پیشرفته، تکنولوژی پیچیده، مصنوعات فراوان؛ هر روز چیزی از پیشرفتهای علمی در دنیا به بشریت نشان می‌دهند؛ اما آیا اینها خوشبختند؟ آیا زندگی آنها زندگی انسانی است؟ این‌طور نیست؛ نه خودشان خوشبختی انسانی را حس می‌کنند، نه اجازه می‌دهند که ملتهای خوشبختی انسانی را درک کنند. در میان خودشان، اضطرابها، نگرانیها، قتلها، جنایتها، افسردگیها، وازدگی از زندگی مادی و معنوی، دوری از معنویت و فضیلت، پاشیده شدن اساس خانواده و از بین رفتن پیوند فرزندان با والدین وجود دارد. اینها گرفتاریهای آنهاست؛ برای دنیا هم که می‌بینید چه به ارمغان آورده‌اند! برای ملتهای دیگر هم، جنگ و فقر و بی‌سوادی و اختلاف و بدبختی و تیره‌روزی را آورده‌اند. آنها رشد مادی دارند، اما رشد معنوی ندارند. وقتی رشد مادی بدون رشد معنوی شد، نتیجه این است که مشاهده می‌کنید. باید رشد معنوی را در کنار رشد مادی گذاشت.

شما دانشجویانی که در این محفل هستید و همه‌ی دانشجویان در سرتاسر کشور، متوجه باشید که یکی از بزرگترین وظایف شما، خودسازی اخلاقی است. اخلاق خود را تکمیل کنید؛ شما جوانان این فرصت را دارید. دوران، دوران شماست؛ شما در دوران خوبی زندگی می‌کنید؛ در سایه‌ی حکومت قرآنی و فرهنگ اسلامی زندگی می‌کنید. بنابراین، از لحاظ روحی و معنوی، فرصت برای والا و شایسته شدن دارید؛ این فرصت را مغتنم بشمارید. علم باید در کنار اخلاق، و پیشرفت صنعتی و علمی و مادی در کنار رشد اخلاقی باشد. توجه به خدا هم مایه‌ی اصلی رشد اخلاقی به حساب می‌آید.

من يك جمله هم به دانشجویان هنر عرض بکنم. هنر، بهترین وسیله برای انعکاس همین مفاهیم و همین مسائل

است. متأسفانه دشمنان اسلام و ایران و شرف و عزت ما، از هنر هم سوء استفاده کردند؛ هنوز هم دارند می‌کنند. از شعر و نقاشی و داستان و فیلم و نمایش و بقیه‌ی شعبه‌های هنر، به عنوان ابزاری برای کوبیدن فضیلت، از بین بردن حقایق و فضایل معنوی و اسلامی، و سوق دادن به مادیگری و عیش و عشرت مادی، سوء استفاده می‌کنند. چه کسی باید این را جبران کند؟ شما جوانان. اگر انقلاب و جامعه‌ی اسلامی از هنر فاخر و برجسته برخوردار نباشد، نخواهد توانست مکنونات قلبی خود را به مخاطبان خودش برساند و با آنها ارتباط برقرار کند.

شما فرض کنید اگر در يك جامعه، امکان حرف زدن - همین سخنرانی کردن و همین گفتگوی با مردم - را از صاحبان فضایل و افکار صحیح بگیرند و اجازه ندهند حرف بزنند، ببینید چه خسارت بزرگی پیش خواهد آمد. عین همین خسارت - شاید از جهتی بزرگتر از این خسارت - خسارت آن جمعی است که از ابزار هنر بی‌نصیب باشند؛ چون هنر چیزهایی را منعکس می‌کند که بیان ساده و عادی نمی‌تواند آنها را منعکس کند؛ مخصوصاً به نسلهای آینده و همین‌طور به نسل کنونی.

هنر را مغتنم بشمارید و در جهت اسلامی به کار ببرید. هنر را با معیارهای اسلامی یاد بگیرید و یاد بدهید و آن را به کار ببرید، تا بتوانید مفاهیم و ارزشهای الهی و اسلامی را به مردم نشان بدهید. امروز دنیا محتاج حقایق اسلامی است. این آفتاب درخشان مفاهیم قرآن و معرفت قرآنی، امروز در دنیا مورد احتیاج ملتهاست.

از خدای متعال می‌خواهیم که به همه‌ی ما توفیق بدهد تا حقایق و معارف اسلامی را خوب بفهمیم و بتوانیم آنها را به شکل صحیحی منعکس کنیم؛ و مهمتر از همه، عمل خودمان را با این معارف تطبیق دهیم.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(1) اعلی: 14 و 15